

متن کامل

مناجات امیر المؤمنین (علیه السلام) در مسجد کوفه

به همراه ترجمه فارسی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْأَمَانَ يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ

الهی، من از تو امان می‌خواهم در آن روزی که نه مال سودی بخشد و نه فرزندان

إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ

مگر آن افرادی که در پیشگاه خدا با دل پاک و قلب سالم [و خالص از غیر او] وارد شوند

وَأَسْأَلُكَ الْأَمَانَ يَوْمَ يَعْصُ الظَّالِمُ عَلَى يَدَيْهِ

و از تو امان می‌خواهم در آن روز که ستمگر به شدت دست خود را [از پیشانی] به دندان بگذرد

يَقُولُ يَا لَيْتَنِي اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلًا

و بگوید: ای کاش با پیامبر راهی برقرار نموده بودم

وَأَسْأَلُكَ الْأَمَانَ يَوْمَ يُعْرِفُ الْمُجْرِمُونَ بِسِيْمَاهُمْ

و از تو امان می‌خواهم در آن روز که مجرمان با چهره‌هایشان شناخته می‌شوند

فَيُؤْخَذُ بِالنَّوَاصِي وَالْأَقْدَامِ

آنگاه از موی پیشانی و از پایشان بگیرند [و بر آنان راه فراری نباشد]

وَأَسْأَلُكَ الْأَمَانَ يَوْمَ لَا يَجْزِي وَالِدٌ عَنْ وَلَدِهِ

و از تو امان می‌خواهم در آن روزی که نه پدری عهده‌دار امری از فرزندش گردد

وَلَا مَوْلُودٌ هُوَ جَازٍ عَنْ وَالِدِهِ شَيْئًا

و نه فرزندی چیزی را از پدرش عهده‌دار گردد

إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ

بی‌شک وعده خداوند حق است

وَأَسْأَلُكَ الْأَمَانَ يَوْمَ لَا يَنْفَعُ الظَّالِمِينَ مَعذِرَتُهُمْ

و از تو امان می‌خواهم در آن روز که عذرخواهی ستمگران آنان را سودی نبخشد

وَلَهُمُ اللَّعْنَةُ وَلَهُمْ سُوءُ الدَّارِ

و بر ایشان دوزخ زده شود، و برای آنان است منزلگاه بد

وَأَسْأَلُكَ الْأَمَانَ يَوْمَ لَا تَمْلِكُ نَفْسٌ لِنَفْسٍ شَيْئًا

و از تو امان می‌خواهم در آن روز که هیچ جانی، قدرت و اختیاری نسبت به دیگری ندارد

وَالْأَمْرُ يَوْمَئِذٍ لِلَّهِ

و در آن روز حکم و فرمان مختص الله است

وَ أَسْأَلُكَ الْأَمَانَ يَوْمَ يَفِرُّ الْمَرْءُ مِنْ أَخِيهِ

و از تو امان می‌طلبم در روزی که انسان از برادرش فرار می‌کند

وَأُمُّهُ وَأَبِيهِ وَصَاحِبَتِهِ وَبَنِيهِ

و از مادر و پدرش، و از همسر و فرزندان نیز می‌گریزد

لِكُلِّ امْرِيءٍ مِنْهُمْ يَوْمَئِذٍ شَأْنٌ يُغْنِيهِ

برای هرکس در آن روز گرفتاری‌ای هست که به او مجالی نمی‌دهد

وَ أَسْأَلُكَ الْأَمَانَ يَوْمَ يَوَدُّ الْمُجْرِمُ لَوْ يَفْتَدِي مِنْ عَذَابِ يَوْمِئِذٍ بِنَبِيهِ

و از تو امان می‌خواهم در آن روزی که جنایتکار آرزو کند که برای رهایی از عذاب آن روز، فرزندان

خود را فدا کند

وَ صَاحِبَتِهِ وَأَخِيهِ وَفَصِيلَتِهِ الَّتِي تُؤْوِيهِ

و هم همسر و برادرش را و هم خویشانش را که او را پناه می‌دادند

وَمَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا ثُمَّ يُنْجِيهِ

و هم تمام اهل زمین را فدیه دهد تا شاید که نجات یابد!

كَلَّا إِنَّهَا لَلظَىٰ نَزَاعَةٌ لِلشَّوَىٰ

هرگز! همانا آتش شعله‌ور است، که جوارح را بسوزاند و پوستش را بر کند

مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ أَنْتَ الْمَوْلَىٰ وَ أَنَا الْعَبْدُ

آقای من! ای آقای من! تنها تو مولا و سروری، و من بنده‌ام

وَ هَلْ يَرْحَمُ الْعَبْدَ إِلَّا الْمَوْلَىٰ

و آیا بر بنده کسی جز مولا ترحم کند؟

مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ أَنْتَ الْمَالِكُ وَ أَنَا الْمَمْلُوكُ

آقای من! ای آقای من! تنها تو صاحب اختیار وجود منی، و من در اختیار توام

وَ هَلْ يَرْحَمُ الْمَمْلُوكَ إِلَّا الْمَالِكُ

و آیا بر بنده مملوک کسی جز صاحب اختیار او ترحم کند؟

مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ أَنْتَ الْعَزِيزُ وَ أَنَا الذَّلِيلُ

آقای من! ای آقای من! عزیز و با اقتدار، تنها تویی، و من ذلیل و خوارم

وَ هَلْ يَرْحَمُ الذَّلِيلَ إِلَّا الْعَزِيزُ

و آیا بر بنده خوار، کسی جز عزیز با اقتدار ترحم کند؟

مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ أَنْتَ الْخَالِقُ وَ أَنَا الْمَخْلُوقُ

آقای من! ای آقای من! خالق و آفریننده فقط تویی، و من آفریده تو

وَ هَلْ يَرْحَمُ الْمَخْلُوقَ إِلَّا الْخَالِقُ

و آیا بر آفریده، کسی جز آفریننده اش ترحم کند؟

مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ أَنْتَ الْعَظِيمُ وَ أَنَا الْحَقِيرُ

آقای من! ای آقای من! با عظمت تنها تویی، و من ناچیز هستم

وَ هَلْ يَرْحَمُ الْحَقِيرَ إِلَّا الْعَظِيمُ

و آیا بر بنده ناچیز کسی جز پروردگار با عظمت رحم کند؟

مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ أَنْتَ الْقَوِيُّ وَ أَنَا الضَّعِيفُ

آقای من! ای آقای من! توانا تنها تویی، و من ناتوانم

وَ هَلْ يَرْحَمُ الضَّعِيفَ إِلَّا الْقَوِيُّ

و در حق ضعیفی ناتوان غیر از توانمند چه کسی ترحم کند؟

مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ أَنْتَ الْغَنِيُّ وَ أَنَا الْفَقِيرُ

آقای من! ای آقای من! بی نیاز فقط تو هستی، و من نیازمندم

وَ هَلْ يَرْحَمُ الْفَقِيرَ إِلَّا الْغَنِيُّ

و آیا بر نیازمند، کسی جز بی نیاز مطلق ترحم کند؟

مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ أَنْتَ الْمُعْطِي وَ أَنَا السَّائِلُ

آقای من! ای آقای من! بخشنده فقط تویی، و من در خواست کننده از درگاه توام

وَ هَلْ يَرْحَمُ السَّائِلَ إِلَّا الْمُعْطِي

و آیا در حق سائل کسی جز بخشنده مطلق ترحم کند؟

مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ أَنْتَ الْحَيُّ وَ أَنَا الْمَيِّتُ

آقای من! ای آقای من! زنده جاوید تنها تویی، و من مرده بی جانم

وَ هَلْ يَرْحَمُ الْمَيِّتَ إِلَّا الْحَيُّ

و آیا در حق مرده ای بی جان جز زنده جاوید ترحم خواهد نمود؟

مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ أَنْتَ الْبَاقِي وَ أَنَا الْفَائِي

آقای من! ای آقای من! فقط تو پاینده هستی و من ناپایدارم

وَ هَلْ يَرْحَمُ الْفَائِي إِلَّا الْبَاقِي

و نابودشدنی را چه کسی جز وجود پاینده ترحم کند؟

مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ أَنْتَ الدَّائِمُ وَ أَنَا الزَّائِلُ

آقای من! ای آقای من! جاوید و پایدار تنها تویی، و من از بین رونده

وَ هَلْ يَرْحَمُ الزَّائِلَ إِلَّا الدَّائِمُ

و آیا در حق موجودی زوال پذیر جز وجود پایدار رحم آرد؟

مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ أَنْتَ الرَّازِقُ وَ أَنَا الْمَرْزُوقُ

آقای من! ای آقای من! فقط تو روزی دهنده هستی و من روزی طلب

وَ هَلْ يَرْحَمُ الْمَرْزُوقَ إِلَّا الرَّازِقُ

و آیا بر روزی طلبان جز روزی دهنده ترحم کند؟

مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ أَنْتَ الْجَوَادُ وَ أَنَا الْبَخِيلُ

آقای من! ای آقای من! سخاوتمند، تنها تویی و منم تنگ نظر

وَ هَلْ يَرْحَمُ الْبَخِيلَ إِلَّا الْجَوَادُ

و آیا در حق شخص تنگ نظر، کسی جز سخاوتمند رحم کند؟

مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ أَنْتَ الْمُعَافِي وَ أَنَا الْمُبْتَلَى

آقای من! ای آقای من! تنها عافیت بخش تویی، و من گرفتار

وَ هَلْ يَرْحَمُ الْمُبْتَلَى إِلَّا الْمُعَافِي

و آیا بر گرفتار جز عافیت بخش ترحم کند؟

مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ أَنْتَ الْكَبِيرُ وَ أَنَا الصَّغِيرُ

آقای من! ای آقای من! فقط تو بزرگ هستی، و من کوچک و ناچیز

وَ هَلْ يَرْحَمُ الصَّغِيرَ إِلَّا الْكَبِيرُ

و آیا بر کوچک جز بزرگ رحم آورد؟

مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ أَنْتَ الْهَادِي وَ أَنَا الضَّالُّ

آقای من! ای آقای من! تنها هدایتگر تویی و من بنده گمراه

وَ هَلْ يَرْحَمُ الضَّالَّ إِلَّا الْهَادِي

و آیا در حق بنده ای گمراه جز هدایتگر ترحم کند؟

مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ أَنْتَ الرَّحْمَنُ وَ أَنَا الْمَرْحُومُ

آقای من! ای آقای من! تنها رحم کننده تویی و منم بنده بخشوده

وَ هَلْ يَرْحَمُ الْمَرْحُومَ إِلَّا الرَّحْمَنُ

و آیا بر قابل بخشش کسی جز بخشاینده ترحم کند؟

مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ أَنْتَ السُّلْطَانُ وَ أَنَا الْمُمْتَحَنُ

آقای من! ای آقای من! پادشاه مطلق تنها تویی، و من بنده امتحان شده

وَ هَلْ يَرْحَمُ الْمُمْتَحَنَ إِلَّا السُّلْطَانُ

و آیا بر بنده مورد امتحان جز فرمانروای عالم رحم کند؟

مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ أَنْتَ الدَّلِيلُ وَ أَنَا الْمُتَحَيِّرُ

آقای من! ای آقای من! رهنما تنها تویی، و من سرگشته ام

وَ هَلْ يَرْحَمُ الْمُتَحَيِّرَ إِلَّا الدَّلِيلُ

و آیا بر سرگشته جز رهنما ترحم کند؟

مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ أَنْتَ الْغَفُورُ وَ أَنَا الْمُذْنِبُ

آقای من! ای آقای من! تویی تنها آمرزنده و من گنه‌کار

وَ هَلْ يَرْحَمُ الْمُذْنِبَ إِلَّا الْعَفُورُ

و آیا بر گنه‌کار جز آمرزنده رحم کند؟

مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ أَنْتَ الْعَالِبُ وَ أَنَا الْمَغْلُوبُ

آقای من! ای آقای من! فقط تو چیره و پیروز هستی، و منم شکست‌خورده

وَ هَلْ يَرْحَمُ الْمَغْلُوبَ إِلَّا الْعَالِبُ

و آیا بر شکست‌خورده ناتوان جز چیره توانمند رحم آورد؟

مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ أَنْتَ الرَّبُّ وَ أَنَا الْمَرْبُوبُ

آقای من! ای آقای من! تنها تو پروردگاری و من پرورش‌یافته توام

وَ هَلْ يَرْحَمُ الْمَرْبُوبَ إِلَّا الرَّبُّ

و آیا در حق پرورش‌یافته جز پروردگارش ترحم کند؟

مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ أَنْتَ الْمُتَكَبِّرُ وَ أَنَا الْخَاشِعُ

آقای من! ای آقای من! بزرگ‌منش فقط تو هستی، و من بنده فروتن

وَ هَلْ يَرْحَمُ الْخَاشِعَ إِلَّا الْمُتَكَبِّرُ

و آیا بر بنده خاکسار و فروتن جز خداوند باکبریا و بزرگ‌منش رحم کند؟

مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ اِرْحَمْنِي بِرَحْمَتِكَ

آقای من! ای آقای من! با رحمت بی‌انتهایت بر من ترحم کن

وَ اَرْضَ عَنِّي بِجُودِكَ وَ كَرَمِكَ وَ فَضْلِكَ

و با وجود و کرمّت از من راضی و خشنود شو

يَا ذَا الْجُودِ وَ الْإِحْسَانِ وَ الطَّوْلِ وَ الْإِمْتِنَانِ

ای خدای دارای احسان و بخشش، و فضل و نعمت

بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

به حق رحمتت، ای مهربان‌ترین مهربانان